

تحلیلی فلسفی از جهان‌های اعتباری؛ جهان - ذهن و جهان - ساخت

abdollahfathy@yahoo.com

عبدالله فتحی / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۰

دریافت: ۹۷/۱۱/۲۷

چکیده

انسان به طور طبیعی و عادی این گونه می‌اندیشد که با اشیای طبیعی همان گونه که هستند، تعامل دارد. این پندار تا حدودی درست است؛ لکن برخی اندیشمندان متأخر در تبیین لایه‌ای عمیق‌تر از حیات انسانی معتقدند که بشر در طبیعت صرف، زندگی نمی‌کند؛ زیرا بسیاری از اشیای در زندگی این موجود عجیب، معانی طبیعی خود را ندارند و انسان در تعامل با طبیعت این اشیای را آن گونه که هستند در نظر نمی‌گیرد، بلکه آنها در زندگی انسان معانی ویژه‌ای دارند که حاصل فاعلیت ذهنی انسان است. این اندیشمندان مسئله زیست انسان در جهان‌هایی ساختگی را مطرح می‌سازند و هریک در تبیین آن، راهی ویژه برگزیده‌اند؛ اما نویسنده پژوهش مفصلی درباره چیستی عمل اعتبار و واقعیت‌های اعتباری انجام داده و نظریه جدیدی در این زمینه دارد که از آن با عنوان «نظریه واقعیت‌های اعتباری» یاد می‌کند. بر پایه این نظریه، انسان بر اساس اموری که می‌توان آنها را زمینه‌های اعتبار نامید، برای هر چیزی که با آن تعامل دارد، هویت‌هایی ذهنی ایجاد می‌کند که معنا و واقعیت آن شیء برای وی خواهد بود. هویت‌های ذهنی مزبور وقتی که در کنار هم و به صورت مجموعی در نظر گرفته شوند، جهانی را می‌سازند که می‌توان آن را جهان اعتباری یا ساخته انسان دانست. بر این اساس انسان در فرایند حیات خود دو جهان اعتباری جهان - ذهن و جهان - ساخت را ایجاد، و در آن زیست می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اعتبار، امور اعتباری، جهان‌های اعتباری، جهان - زیست، جهان - ساخت، جهان - ذهن.

انسان‌ها به طور طبیعی و عادی این‌گونه می‌اندیشند که در جهان طبیعت با همه ویژگی‌هایش، آفریده شده‌اند و با اشیای طبیعی تعامل دارند. البته این پندار تا حدودی درست است، لکن برخی اندیشمندان متأخر در تبیین لایه‌ای عمیق‌تر از حیات انسانی معتقدند که بشر در طبیعت صرف زندگی نمی‌کند؛ زیرا اشیا در زندگی این موجود دوبا معنای طبیعی خود را ندارند و انسان در تعامل با طبیعت، اشیا را آن‌گونه که هستند در نظر نمی‌گیرد، بلکه اشیا در زندگی انسان دارای معنای ویژه‌ای است که حاصل فاعلیت خود انسان است؛ معنای چیزی که امروزه آن را قاشق می‌نامیم، معنایی که فرزند برای مادرش دارد، معنای امتداد یک سیم خاردار به عنوان مرز، معنایی که اسکناس رسمی یک کشور برای افراد آن کشور دارد، معنایی که سند مالکیت خودرو دارد و... غیر از معنا و ماهیت طبیعی آنهاست.

شاید نخستین کسانی که البته با اهدافی متفاوت به این نکته اشاره داشته‌اند، شکاکان و ناشناخت‌گرایان باشند. مثلاً سوفیست‌ها اصرار دارند که تصوراتی که ما برای اشیا در نظر می‌گیریم ساخته ذهن خود انسان است و خارج از ذهن انسان واقعییتی ندارد (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۵-۹۹). تبیین‌هایی که هیوم در ارائه منشأ روانی مفاهیم فلسفی همچون جوهر، علیت و ضرورت علی دارد، نیز درصدد ارائه همین نکته است؛ زیرا به اعتقاد وی این مفاهیم دارای هیچ واقعییتی خارج از ساختار ذهن بشری نیست و انسان به دلایلی متمایل به ساخت چنین مفاهیمی در ذهن خود است (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۲۸۷-۲۹۰ و ۳۰۵-۲۹۵).

این نکته اختصاص به هیوم ندارد و در میان معاصران هیوم می‌توان از افرادی نام برد که علاقه دارند مفاهیم فلسفی را حاصل دستگاه ادراکی انسان قلمداد کنند، که البته کانت مهم‌ترین آنهاست. کانت تلاش دارد نحوه دخالت و فعالیت ذهن در پیدایش مفاهیم استعلایی ذهن را به زبانی مستدل تبیین کند. حاصل افکار او، تفکیک میان عالم پدیدار به عنوان جهانی که حاصل فعالیت ذهنی انسان است، و عالم پدیده به عنوان جهان خارج است (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۶ ص ۲۲۹-۲۵۰).

پس از وی هایدگر و پیروان او ذیل مباحث مربوط به هرمنوتیک فلسفی (هایدگر، ۱۳۸۹، ص ۳۵۷-۳۵۸)، هوسرل ذیل نکاتی که درباره زیست جهان ارائه می‌کند (هوسرل، ۱۳۸۸، ص ۴۱ و ۷۱)، آلفرد شوتر، هابرماس و دیگر جامعه‌شناسان متأخر ذیل مطالبی با همین عنوان (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۳۸۶)، نلسون گودمن در نظریه جهان‌سازی‌اش (گودمن، ۱۹۷۸، ص ۲)، و جان سرل ذیل تحلیل‌هایی که در باب ساخت جهان اجتماعی دارد (ر.ک: سرل، ۱۹۹۵، xi) به این بحث پرداخته‌اند.

گفت‌وگو درباره ساخت و اسناد مفاهیم غیرواقعی به امور خارجی در حوزه اندیشه اسلامی نیز دارای سابقه است: مباحث شیخ اشراق درباره اعتباری بودن مفهوم وجود (سهروردی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۸)، نظریه اعتباری بودن ماهیت در فلسفه صدرالمعالمین (عبودیت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۹-۸۸)، مباحث اعتباریات در علم فقه و اصول فقه (ر.ک: سید مرتضی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۹۶؛ نائینی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۷۸؛ غروی اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۷؛ ج ۳، ص ۴۱۴؛ کوه‌کمره‌ای، ۱۴۰۹ق، ص ۷؛ طباطبائی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۷۸ و ۱۹۳ و ۲۵۳؛ خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۶؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۱؛ املی لاریجانی، ۱۳۷۸)، نظریه ادراکات اعتباری

علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۴۴) و دیدگاه پارسایا در کتاب *جهان‌های اجتماعی* (پارسایا، ۱۳۹۵، فصل دوم)، همگی از ایجاد تصویری ساختگی از سوی فاعل شناسا درباره اشیا سخن می‌گویند.

البته روشن است که تنها مباحث کسانی را می‌توان به عنوان پیشینه بحث از جهان‌های اعتباری (ساختگی) در نظر گرفت که صراحتاً یا در ضمن مباحث دیگر به این موضوع پرداخته باشد و به نظر می‌رسد در میان همه این دیدگاه‌ها، تنها دیدگاه‌هایی صائب‌اند که مسئله زیست انسان در جهان‌های ساختگی را از طریق تحلیل دقیق عمل ذهنی اعتبار و امور اعتباری، پی گرفته‌اند. اما نکته درخور توجه این است که در تحلیل فلسفی عمل ذهنی اعتبار و ابعاد آن نیز اختلاف وجود دارد. نویسنده این مقاله، پژوهش مفصلی درباره چیستی اعتبار و امور اعتباری انجام داده که به پیدایش نظریه جدیدی در این زمینه با عنوان «نظریه واقعیت‌های اعتباری» انجامیده است. بر اساس این نظریه، انسان برای هر چیزی که با آن تعامل دارد، بر اساس تصویری که از نیازها، اهداف، احساسات، امکانات و محدودیت‌ها، اقتضات محیط طبیعی و اجتماعی، و در یک کلام همه اموری که می‌توان از آنها به عنوان زمینه اعتبار یاد کرد، هویت‌هایی ذهنی ایجاد می‌کند که معنا و واقعیت آن شیء برای آن شخص خواهد بود. ما در ادامه اجمالی از این دیدگاه را ارائه خواهیم داد.

التفات به تحلیل جهان زیست انسان بر اساس این نظریه، مسائل متافیزیکی مهمی از جمله نحوه حدوث و بقای اشیا در این جهان، نحوه تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر و نیز کیفیت ارتباط آنها با اشیا فیزیکی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد.

تصور نویسنده این تحقیق آن است که پی‌ریزی علوم انسانی نوین اسلامی نیازمند بنیان کردن ارکان و اصولی است که یکی از اصلی‌ترین آنها، توجه به تحقیق درباره ساختارهای اعتباری موجود در جهان - ذهن فردی و اجتماعی، و تحلیل جامع، دقیق و قابل اتکا درباره اعتبار و امور اعتباری است؛ امری که می‌تواند دانشمند علوم انسانی را در تأسیس ساختارهای جدید در حیات انسانی و (متناسب با هدف ما) ساختارهایی که با توحید و کمالات انسانی معطوف به آن سازگار باشد، یاری کند.

این مقاله صرفاً به تحلیل و تبیین جهان‌های اعتباری (که زیستگاه خودساخته حیات انسانی است) بر اساس نظریه واقعیت‌های اعتباری نویسنده این پژوهش می‌پردازد.

۱. تعریف اجمالی ادبیات مقاله

۱-۱. اعتبار، امور اعتباری

اعتبار در اصل واژه‌ای عربی از مادهٔ عبر در باب افتعال است که در لغت فارسی و عربی به معنای اختیار و امتحان، اُتعاظ و پندگرفتن، فرض و تقدیر، گذشتن از حالت یا امری به چیز دیگر، تدبیر و نظر کردن، استدلال کردن از شیئی بر شیء دیگر، نظر کردن و پند گرفتن، تکریم و تعظیم و احترام، رسیدن از معرفت محسوس به معرفت غیر محسوس آمده و واژه اعتباری نیز به معنای امر مبتنی بر فرض قید شده است (رک: مقری فیومی، ۲۰۰۱، ص ۳۹۰؛ انیس و دیگران، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۳۰-۵۳۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۰۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۸؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۸۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۹۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳۰)؛ اگرچه به ازای هر معنا از اعتبار، می‌توان معنایی هم برای واژه اعتباری در نظر گرفت.

این دو واژه در حوزه‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون به کار رفته و به نظر می‌رسد در هریک از این کاربردها اصطلاح متفاوتی پدید آمده است. در این اصطلاح‌ها اگرچه غالباً واژه «اعتباری» به کار رفته است، لکن به ازای هریک از آنها می‌توان معنا و اصطلاحی از اعتبار نیز تصور نمود که در محاذات آن قرار می‌گیرد (مهم‌ترین و مشهورترین این کاربردها را که به بیش از ده مورد می‌رسد، در منابع ذیل ببینید: طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۰۰۰ و ۱۰۰۷؛ مصباح، ۱۴۳۵ق، ص ۲۳ و ۳۸؛ مصباح، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۰، ۳۲۱ و ۲۰۱ و ۴۶، ۷۳-۸۴؛ غروی اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۵ و ۶ ص ۱۰۱؛ عبودیت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۹-۸۸؛ فیاضی، ۱۳۸۷، فصل اول؛ مطهری، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۳۹۵؛ سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۸).

مراد نویسنده از اعتباری در این مقاله، به‌رغم قرابت با برخی از اصطلاح‌های یادشده، تقریباً معادل با اصطلاحی است که علامه طباطبائی در نظریه ادراکات اعتباری مطرح کرده است؛ اگرچه تحلیل فلسفی ما از امور اعتباری با آنچه علامه بیان کرده است، تفاوت بسیار دارد.

توضیح آنکه اصطلاح «ادراکات اعتباری» علامه، اصطلاحی نظریه‌ای (Theoretical terms) است و معنای آن، ملازم با مبانی و مفاهیمی است که از آن پشتیبانی می‌کند. اعتبار در این نظریه، تصدیقی است که در آن تصدیق برای وصول به مقاصد، انگیزه‌ها و کسب نتایجی عملی، حد چیزی به چیزی دیگر نسبت داده می‌شود؛ مثلاً وقتی که شاعری دلباخته، مفهوم ماه را برای تحریک انگیزه‌های معشوق و اعلان منظر احساسی خود، به او نسبت می‌دهد و می‌گوید «تو ماهی و من ماهی این برکه کاشی، اندوه بزرگی است زمانی که نباشی»، تصدیقی را به وی اعلان می‌دارد که علامه نام آن را ادراک اعتباری می‌گذارد. این ادراک، تصدیقی حقیقی و دارای واقعیت نفس‌الامری نیست، بلکه صرفاً اعتباری است که گویای احساس شاعر به معشوق خود است. از این‌رو علامه این سنخ ادراک را ادراک اعتباری دانسته، ویژگی‌ها و احکامی متمایز از احکام ادراکات حقیقی برایش قائل است (طباطبائی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۴۴). اما نویسنده این مقاله، تحلیل دیگری از ماهیت و ویژگی‌های امور اعتباری دارد که حدود و صغور بحث را از فضای نظریه اعتباریات علامه جدا می‌کند. ما در بخش عمل اعتبار و واقعیات اعتباری به معرفی اجمالی چارچوب اساسی این نظریه خواهیم پرداخت؛ اگرچه تبیین دقیق این دیدگاه، نیازمند مجال وسیع‌تر است.

۱-۲. جهان

جهان، عالم و دیگر مرادفات آن در لغت به مجموعه عالم گیتی، از زمین و آسمان و دیگر کرات و سیارات اطلاق می‌شود. این واژگان در برخی کاربردهای دینی و عرفانی به‌ویژه در ادبیات عرفانی شعرا، درباره کلیت و مجموعه جهان درونی انسان نیز به کار رفته است (سعیدی، ۱۳۹۲، ص ۶۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰ و ۱۸۹).

تفکیک جهان ذهن و جهان خارج در دسته‌بندی‌های رایج فلسفه، تفکیک جهان پدیده و جهان پدیدار در اندیشه کانت (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۶ ص ۲۷۹-۲۸۵)، جهان - تصویر در فلسفه ویتگنشتاین (کوبر، ۱۹۹۶، ص ۴۴۱-۴۴۹)، بودن در جهان هایدگر (دریغوس، ۱۹۹۰، ص ۴۰)، زیست‌جهان در اندیشه هوسرل (بوکلی، ۱۹۹۲، ص ۹۳-۹۴)، هابرماس (هابرماس، ۱۹۷۹، ص ۶۶-۶۷) و دیگر جامعه‌شناسان متأخر، جهان‌های سه‌گانه پوپر (پوپر،

۲۰۰۰، ص ۱۱۳-۱۳۱) و جهان اجتماعی جان سرل (سرل، ۲۰۰۰، ص ۳)، اصطلاحات متفاوتی از این واژه پدید آورده است که بررسی تفصیلی آنها نشان می‌دهد این اندیشمندان تلاش دارند سخن از کلیت و مجموعه دیگری به جز مجموعه اشیای خارجی و فیزیکی به میان بیاورند؛ مجموعه‌ای که به‌سان اشیای موجود در جهان از اجزائی در ارتباط با یکدیگر تشکیل شده، و بر هم تأثیر می‌گذارند؛ با این تفاوت که این جهان اولاً درونی است و ثانیاً فاعل شناسا در شکل‌گیری آن نقش فعال دارد.

در واقع همه این متفکران در پی معرفی جهانی به‌جز جهان خارج از وجود انسان - فیزیکی و غیرفیزیکی - هستند و ایده کانت در طرح عالم پدیداری به عنوان سرآغازی برای بحث از جهان‌های انسانی در دوره مدرن، این بوده که آیا انسان در تعامل با جهان خارجی تصویری از جهان آن‌گونه که هست، دارد، یا انسان تصویری از جهان دارد و به گونه‌ای با جهان تعامل می‌کند که خود می‌سازد (و به تعبیری، با جهان اختصاصی خود تعامل دارد؛ جهانی دیگر غیر از جهان خارجی - مادی و غیرمادی)؟

مراد ما از جهان‌های اعتباری همین معنا از جهان است؛ جهانی که بر اثر فاعلیت انسان پدید می‌آید. البته مبنای تحلیل نویسنده در این زمینه با دیگر متفکران متفاوت است، ولی نمی‌توان گفت که اصل طرح جهان‌هایی به‌جز جهان خارج، ابتکار این مقاله بوده است. در ادامه این پژوهش با مبنای نویسنده بیشتر آشنا خواهیم شد.

۱-۳. ذهنیت و ساخت

ذهنیت و معادل‌های آن در زبان‌های دیگر دست‌کم در یکی از کاربردهای آن به نوع نگرش، بینش و تصور ویژه‌ای که شخصی از شیء دارد، و ساخت و معادل‌های آن نیز در دیگر زبان‌ها به معنای ساخته شده، محصول و مصنوع اطلاق می‌شود؛ اما مراد این مقاله از ذهنیت و ساخت، اصطلاح ویژه‌ای است که حاصل تحلیل نوین نویسنده از عمل اعتبار و امر اعتباری است. بیان این معنا نیازمند تمهید مقدماتی از جمله تحلیل خود اعتبار و امور اعتباری است. از این‌رو تبیین دقیق این دو اصطلاح را به بخش‌های بعد از تبیین دیدگاه خود درباره اعتبار و امور اعتباری موکول می‌کنیم.

۲. عمل اعتبار و واقعیات اعتباری

۱-۲. چیستی و چرایی اعتبار و امور اعتباری

اگر واقعیت را به معنای امری بدانیم که تحقق آن موجب صدق یک قضیه مفروض است (اعم از آنکه این واقعیت، شیء یا حیثیتی وجودی یا عدمی در عالم وجود باشد) می‌توان بخش‌هایی از جهان واقع را برشمرد که تفاوت ویژه‌ای با واقعیت‌های دیگر دارد؛ واقعیت‌هایی که واقعیت بودن آنها مستقل از انسان و نهادهای انسانی به عنوان فاعل‌هایی که آنها را ایجاد می‌کنند، نیست. مثلاً تکه کاغذی که واقعاً پول است (در مقابل کاغذی که پول محسوب نمی‌شود) پول بودنش صرفاً وابسته به این است که ما در فرایند اجتماعی خاصی آن را به عنوان پول اعتبار کرده باشیم؛ یا رئیس‌جمهور بودن شخصی در یک کشور صرفاً وابسته به این است که قواعد نهادهای سیاسی آن کشور او را رئیس‌جمهور اعتبار کند. این واقعیت‌ها در برابر واقعیت‌هایی قرار دارند که مستقل از انسان و نهادهای انسانی است. برای مثال اشیای طبیعی، افراد انسانی و حیثیت‌های وجودی یا عدمی که در هر یک می‌توان برشمرد مستقل از انسان و نهادهای انسانی وجود دارند.

ساختار وجودی این واقعیت‌ها از نوعی بار غیرفیزیکی برخوردار است (سرل، ۱۹۹۵، ص ۱). این محتوای متافیزیکی، اموری همچون باورها، توافق، پذیرش و به‌طور کلی حیث التفاتی انسان‌هاست. به همین دلیل، ادراک واقعیت‌های اجتماعی‌ای نظیر «پول»، «رئیس‌جمهور»، «همسر»، «کتاب قانون»، یا حتی «صندلی» و «میز»، با اینکه همه آنها از جهتی پدیده‌هایی فیزیکی هستند، صرفاً با توجه به ویژگی‌های فیزیکی آنها ممکن نیست، بلکه باید محتوای متافیزیکی آنها را نیز در نظر داشت.

به نظر ما بار اصلی متافیزیکی در این دست واقعیت‌ها، مربوط به عمل ذهنی ویژه‌ای به نام اعتبار است. اعتبار از دیدگاه نویسنده، ایجاد آگاهانه و هدفمند هویت ذهنی برای شیء یا اشیایی (به عنوان ماده اعتبار)، به منظور دستیابی به غایتی خاص است که منجر به پیدایش امور ذهنی ویژه‌ای به نام واقعیت‌های اعتباری می‌شود، اما از سنخ ادراک نیست (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸-۲۲۳). این فعل ذهنی از افعال اختیاری انسان یا هر فاعل دیگری شبیه انسان است که نحوه تعامل فاعل معتبر با جهان بیرون، سبک‌های رفتاری، الگوهای حاکم بر حیات و سیستم‌های موجود در محیط تحقق امور اعتباری را رقم می‌زند.

این فعل درونی انسان، از طریق تأثیر بر فرایندهای ویژه‌ای که حاکم بر افعال انسان است، موجب تحقق اوضاع و ساختارهای ذهنی ویژه‌ای در حیات انسانی مثل پول، ازدواج، نهادها، سازمان‌ها و سنت‌های اجتماعی می‌شود که در فضای اندیشه اسلامی با نام امور اعتباری شناخته می‌شوند. امور اعتباری غالباً برای برقراری وضعیتی خاص در یک ظرف ویژه ایجاد می‌شوند. از ترکیب و انباشت این هویت‌های ذهنی، ساختارها و شبکه‌هایی پدید می‌آید که فاعل‌های انسانی را دربر گرفته، نوع، کیفیت، ویژگی‌ها، نحوه تعامل با دیگر اشیاء، حدود و مجوزات فعل آنها را تعیین می‌کند. ما از طریق ایجاد این هویت‌های ذهنی، ساختار کل‌های غیرطبیعی موجود در عالم، همچون ساختارهای حاکم بر روابط اقتصادی، ساختارهای حاکم بر روابط جنسی و تشکیل خانواده، ساختارهای حاکم بر روابط اجتماعی و سیاسی و دیگر ساختارهایی را که می‌تواند متعلق عمل اعتبار قرار گیرد، تغییر می‌دهیم (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۵، فصل دوم).

هویات و ساختارهای مزبور که فاعل یا فاعل‌های معتبر، تعامل خود با اشیاء را بر اساس آنها برقرار می‌کنند، با یکدیگر روابط منطقی دارند؛ به‌گونه‌ای که تحقق و اعتبار برخی از آنها مستلزم تحقق برخی دیگر و مانع تحقق امور دیگر است و به همین جهت بسیاری از علوم و پژوهش‌ها معطوف به کشف روابط میان امور اعتباری است (همان، ص ۲۳۸).

امور اعتباری‌ای که بر اثر عمل اعتبار به وجود می‌آید، منحصر به واقعیت‌های نهادی و اجتماعی نیست و نمی‌توان عنوان واقعیت‌های نهادی یا واقعیت‌های اجتماعی را آن‌طور که برخی پنداشته‌اند (سرل، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷)، عنوان جامعی برای اشاره به آنها دانست؛ بلکه از نظر ما انسان دائماً در حال اعتبار کردن است و اساساً از طریق معنابخشی ذهنی و ایجاد هویت‌های اعتباری تعامل با اشیاء را صورت می‌دهد (فتحی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸-۱۵۳). توجه به این نکته، چرایی تحقق اعتبار و امور اعتباری در افعال انسانی را تبیین می‌کند. این بحث دامنه مفصلی دارد که گفت‌وگو درباره همه ابعاد آن، نیازمند چندین مقاله پژوهشی است؛ اما اجمالاً می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مراحل که میان تحلیل‌های اندیشمندان درباره فلسفه عمل و فرایند تحقق آن، مورد توجه نبوده است، مرحله مربوط به فعل اعتبار است.

توضیح آنکه بر اساس پژوهش‌های ما درباره فرایند تحقق یک عمل، فاعل پس از تصور خام فعل، نسبت خود با فعل مورد نظر را مورد محاسبه و تدقیق قرار می‌دهد. او برای این محاسبه این پرسش‌ها را پیش‌روی خود می‌بیند؛ مثل اینکه این فعل به کدام غایت منتهی می‌شود؟ در چه نسبت زمانی و مکانی قرار می‌گیرد؟ چه مقدار توان فاعل را به کار خواهد گرفت؟ چه ابزاری برای تحققش لازم است؟ چه موانع احتمالی‌ای در مقابل خواهد داشت؟ چه تبعاتی برای دیگران و خود دارد؟ چه نسبتی در جهان (ضروری و غیرضروری) دارد؟ و ...

واکاوی و بررسی همه این موارد، الگوی ویژه‌ای برای تحقق فعل ایجاد می‌کند. این الگو در واقع تصویری است که فاعل از تحقق فعل در نسبت با خود و اشیای دیگر پیش از ایجاد فعل دارد و حتی ممکن است فاعل را به این نتیجه برساند که نباید فعل را انجام دهد. به همین دلیل تنها در صورتی مفید بودن فعل تصدیق می‌شود که فاعل در این الگوی پیش‌ساخته، تفسیری مطلوب از تحقق فعل داشته باشد (همان، ص ۱۷۰).

روشن است که ساخت الگوی تحقق فعل بیرونی، مستلزم ساخت یک کل است؛ کلی که در آن، معنای خاصی برای هر یک از اجزای فعل، جهان پیرامون (اشیا در ظرف تحقق فعل)، خود فاعل و... وجود دارد و فعل مفروض در این کل، دارای نسبتی خاص با فاعل و سایر اموری است که فاعل آنها را برای تحقق فعل لحاظ می‌کند (همان، ص ۱۶۳).

این نسبت کاملاً به آن الگو اختصاص دارد و با فرض تغییر فاعل یا تغییر اموری که برای تحقق فعل از سوی فاعل لحاظ می‌شود تغییر می‌کند؛ به‌گونه‌ای که گاه یک کار ساده برای دو فاعل، دو معنای متفاوت دارد؛ معنایی که با توجه به هریک از فاعل‌ها و شرایط ذهنی‌شان شکل می‌گیرد. این معنا هویت، نسبت و جایگاه آن فعل را برای فاعل نشان می‌دهد. درست شبیه اجزای سیستم‌های اختراعی که با اعتبار مخترع دارای یک هویت ذهنی وابسته به او هستند و کسی که اطلاعی از آن هویات اعتباری‌ای که مخترع برای آن اجزای در نظر گرفته ندارد، هویت مزبور را برایش قائل نیست (همان، ص ۱۵۱).

به نظر می‌رسد که ایجاد این هویات‌های ذهنی، هر چیزی را که به نوعی در جهان زندگی او حضور داشته یا اینکه فاعل معتبر با آن تعامل دارد، دربر می‌گیرد. بنابراین انسان برای انجام هر فعل بیرونی، سیستم و ساختاری اختراع می‌کند که ساخت آن متوقف بر ایجاد هویت ذهنی اعتباری است که معنای آن شیء را برای او شکل می‌دهد.

عمومیت این استدلال، شامل همه افعال بیرونی (فردی و اجتماعی) می‌شود و به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا و چگونه برای موجودی شبیه انسان در فرایند حیات اجتماعی خود از طریق ایجاد هویات‌های ذهنی برای افراد و اشیاء، ساختارهای متنوع روانی و اجتماعی به منصف ظهور می‌رسد.

ما این امور را بر خلاف تعبیر برخی اندیشمندان که آنها را «ادراکات اعتباری» خوانده‌اند (طباطبائی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۴۴)، واقعیت‌های اعتباری می‌نامیم. تعبیر واقعیت‌های اعتباری، امور اعتباری را به مثابه نوعی واقعیت (به معنایی که از آن سخن گفتیم) مورد توجه قرار می‌دهد که می‌تواند مورد تحلیل متافیزیکی قرار گیرد. امور اعتباری واقعیت‌اند، چون موجب صدق گزاره‌هایی مثل «این کاغذ پول است»، «اینجا بانک است»، «این شخص دانشجوی دانشگاه الف است» می‌شود؛ و اعتباری‌اند، چراکه واقعیت بودن آن (اعم از آنکه فردی باشند یا اجتماعی) وابسته به اعتبار فاعل معتبر است.

۲-۲. ذهنیت‌های اعتباری

حاصل ایجاد امور اعتباری چیزی است که در اصطلاح این مقاله، ذهنیت نامیده می‌شود. ذهنیت بر ایند تحقق هویت ذهنی‌ای است که به صورت طبیعی وجود ندارد و فاعل معتبر برای تعامل با اشیا و افراد پیرامون خود برای شیء یا اشیائی ایجاد می‌کند.

نقش و جایگاه این هویت ذهنی در دنیای ذهنی فاعل معتبر، همان نقش و جایگاهی است که ارسطو برای صورت نوعیه در عالم تحت قمر قائل است. صورت نوعیه در نظام ارسطویی، هویت و فعلیت خارجی (اعم از جوهری و عرضی) است که موجب می‌شود نوع ویژه‌ای از موجودات مادی در جهان فیزیکی آخرین آسمان، به وجود آمده و ضمن ارتباطی که با فاعل هستی‌بخش (عقل فعال) خود دارد، آثار و کمالات خاصی را در آن محل ایجاد می‌کند که نسبت‌ها و روابط متعددی با اشیای دیگر موجود در این عالم به دنبال دارد (کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۶۵). برای مثال در فرایند ایجاد گل رز، وقتی همه زمینه‌ها و مواد برای شکل‌گیری این نوع خاص از گل به وجود آمد، عقل فعال از طریق ایجاد صورت نوعیه گل رز در ماده‌ای که استعداد لازم را برای دریافت این صورت نوعی دارد، یک فرد خارجی از گل رز را در جهان خاکی ایجاد می‌کند.

هویت ذهنی اعتباری در اصطلاح ما به همین ترتیب، موجب تحقق فعلیت جدیدی برای شیء در عالم ذهن فاعل معتبر می‌شود. شیء با هویت ذهنی جدید خود، همانند ماده‌ای که از طریق دریافت صورت نوعیه جدید، تبدیل به فرد نوع دیگری می‌شود، ذهنیت جدیدی در عالم ذهن فاعل یا فاعل‌های معتبر پیدا می‌کند که نشان‌دهنده معنا، جایگاه و هویت آن شیء در عالم ذهن فاعل معتبر است.

بنابراین ذهنیت‌ها در این اصطلاح نه در شمار اشیای مادی و مجرد غیروابسته به فاعل شناسا قرار دارند و نه در ذیل تصورات و شناخت‌ها قرار می‌گیرند (فتحی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹-۲۱۴) و فاعل معتبر، شیء را با همین ذهنیت درک می‌کند، از طریق همین ذهنیت با آن تعامل دارد و اشیای دیگر در عالم ذهن او با همین ذهنیت با آن مرتبط می‌شوند. همه ذهنیت‌هایی که ما برای هریک از فرزندان، والدین، همسر، دوستان، دشمنان، یا اشیایی که مالکشان هستیم (مثل خودروی شخصی، خانه شخصی یا هدیه‌ای که کسی به ما داده است)، یا هویت‌های اجتماعی مانند ریاست یک مجموعه، عضویت برای سازمانی خاص و کارمندی قائمیم، از همین قبیل‌اند.

تصوری را که بیماران روانی مثل افراد افسرده از اشیای پیرامون خود دارند در نظر بگیرید. تصور آنان از دیوار پیش رویشان چیزی شبیه تصور شخص زندانی از دیوار سلول انفرادی و از افراد دیگر در کنار خود مثل زندانبان یا نهایتاً زندانی‌های دیگری در نزدیکی خود است. این تصور برگرفته از هویت ذهنی‌ای است که او برای چیزی شبیه دیوار دارد؛ چنان که شخصی که در حال کشیدن درد شدید است، نگاهی ویژه به اشیا و جهان دارد که در حال سلامت نداشته است. شما نمی‌توانید در وضعیتی که او در حال تحمل درد است، روی ذهنیت او برای غذای مورد علاقه‌اش حساب کنید.

روشن است که ایجاد ذهنیت‌ها و هویت‌هایی که انسان‌ها به اشیای پیرامون خود می‌دهند، به اختلالات ادراکی، ناهنجاری‌های روانی و شرایط غیرعادی اختصاص ندارد و اشیا برای هر شخص با توجه به وضعیتی که در آن زیست می‌کند دارای هویتی هستند که از سوی خود آن شخص، ایجاد شده و ممکن است برای دیگری وجود

نداشته باشد؛ زیرا هر انسانی برای هر آنچه با آن تعامل دارد، به فراخور چیزهایی که می‌توان آنها را زمینه‌های عمل اعتبار (فتحی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۰-۱۴۳) دانست، از طریق ایجاد ذهنیت‌های مزبور با آن تعامل می‌کند و شیء پس از تحقق این ذهنیت‌ها، در جهان ذهنی فاعل معتبر، فعلیت جدیدی می‌یابد که می‌توان گفت معنای آن شیء برای آن فاعل است. به تعبیر گویاتر فرد الف در وضعیت ب برای شیء خاصی هویت مثلث را ایجاد می‌کند، ولی معنا و هویت آن شیء در وضعیت ج برای فرد الف، مربع و یا به شکل دیگری غیر از مثلث است.

بنابراین مراد از ذهنیت، همان فردیت ذهنی‌ای است که فاعل معتبر از طریق آن، معنای ویژه‌ای را برای شیء در عالم ذهن خود می‌سازد و میزان درکی که انسان از جهان دارد، کیفیت اندیشه‌های عقلانی و علمی‌ای که به دست آورده است، باورهای دینی و ماورایی، احساسات و نیازها، مزاج و طبیعتی که بر بدن او حاکم است، میزان صحت و سلامت جسمی و روانی، عادت‌های ذهنی و ساختار روانی شخص، موقعیت زمانی و مکانی، جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کند، ساختار تربیتی‌ای که در آن رشد یافته است، و بسیاری از چیزهای دیگر بر ساخت ذهنیت و جهان - ذهنی که انسان با آن زندگی کرده و به وسیله آن با جهان پیرامون خود تعامل می‌کند، اثر می‌گذارد.

حیات انسانی سرشار از این ذهنیت‌هاست و مجموعه این ذهنیت‌ها جهانی به اندازه هر چیزی یا کسی که انسان با آن تعامل دارد، به وجود می‌آورد و حتی خود انسان معتبر از طریق هویت اعتباری‌ای که در اجتماع برای وی ایجاد می‌گردد، شناخته می‌شود و بخشی از این جهان ذهنی به‌شمار می‌آید.

با توجه به آنچه گفتیم، ذهن در اصطلاح این مقاله صرفاً ظرفی برای مفاهیم و ادراکات نیست، بلکه دربرگیرنده امور دیگری است که از سنخ مفهوم نیست؛ زیرا دست‌کم درباره ذهنیت‌ها براساس تحلیل فلسفی‌ای که از آنها صورت گرفته است (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸-۲۲۳) و ما هم اشاره اجمالی بدان داشتیم، باید اذعان کرد که امور اعتباری که در ظرف ذهن تحقق دارند، از سنخ اموری هستند که ویژگی حکایتگری ندارند.

۳. جهان - ذهن؛ نخستین جهان زیست ذهنی

هویت‌های ذهنی مزبور وقتی که در کنار هم و به صورت مجموعی در نظر گرفته شوند، عالمی را می‌سازند که می‌توان آن را جهان ذهنی او دانست؛ جهانی که معانی اشیا در آن، وابسته به هویت ذهنی‌ای است که فاعل اعتبارگر به فراخور نیازها، امکانات و کمالات و... برای اشیا ایجاد می‌کند. انسان از طریق همین معانی با اشیا ارتباط دارد، اشیا را با همین شکل می‌بیند، و خلاصه انسان در میان همین معانی زیست می‌کند.

ما این دنیای اختصاصی فاعل اعتبارگر را جهان - ذهن می‌نامیم. جهان - ذهن به کلیت انباشته و درهم‌تنیده‌ای از معانی ذهنی اعتباری اشاره دارد که در عین ارتباط با یکدیگر، کاملاً به فاعل اعتبارگر وابسته است و نحوه ادراک، تعامل و زیست وی را حکایت و تعیین می‌کند.

بنابراین جهان - ذهن، مجموعه‌ای از هویت اعتباری و ذهنی است که از سوی فاعل یا فاعل‌های معتبر در قالب یک سیستم و به صورت تدریجی نسبت به اشیا بی که فاعل معتبر با آنها سروکار دارد، ایجاد می‌شود و فاعل معتبر اشیا را در آن قالب و در آن سیستم باز ادراک نموده، با آنها بر اساس این هویت‌های ذهنی تعامل می‌کند.

این جهان ذهنی که حاصل تعامل و ادراک فاعل معتبر با جهان پیرامون است و تحت تأثیر زمینه‌های ویژه‌ای به وجود می‌آید، جهانی در طول جهان طبیعی است که نحوه تعامل فاعل معتبر با جهان طبیعی را تنظیم می‌کند و حتی احساسات فاعل معتبر نسبت به آنها را شکل می‌دهد.

جهان - ذهن، کلان‌ترین کل ذهنی‌ای است که کل‌ها و ساختارهای کوچک‌تر اعتباری را در درون خود جای می‌دهد. کل‌ها و ساختارهای موجود در طبقه دوم به نوبه خود حاکم و مشرف بر کل‌های ذهنی کوچک‌تری هستند که در آنها قرار می‌گیرند. این سلسله کل‌های ذهنی همین‌طور ادامه می‌یابد تا به کل‌های ذهنی کوچکی برسیم که در آن هویت ذهنی ویژه‌ای برای یک شیء اعتبار شده است. از این‌رو باید گفت جهان - ذهن، کل ذهنی کلانی است که سایر کل‌ها و ساختارهای اعتباری موجود در یک سیستم در آن قرار می‌گیرند؛ سلسله‌ای طولی از ذهنیت‌های کلان که همچون سلسله‌ای که فلاسفه برای افلاک در ذیل واجب‌الوجود در نظر می‌گیرند، در ذیل وجود فاعل معتبر شکل می‌گیرند و هریک از آنها به‌سان یک فلک در درون خود هویت، ساختارها و کل‌های اعتباری دیگر را به صورت هم‌عرض شامل می‌شود.

توضیح آنکه برخی کل‌ها و ساختارهای ذهنی‌ای که فاعل یا فاعل‌های معتبر ایجاد می‌کند، از طریق ایجاد هویت‌های اعتباری بر کل‌ها و ساختارهای دیگر به وجود می‌آید؛ به این صورت که چیزی در یک مرحله دارای هویت ذهنی اعتباری ویژه‌ای می‌شود که در عین برقراری آن هویت اعتباری، هویت اعتباری دیگر را نیز در مرحله دیگر دارا می‌شود و تحت سیستم و ساختار اعتباری جدیدی هم قرار می‌گیرد.

۴. جهان - ذهن فردی و جهان - ذهن اجتماعی

جهان - ذهن‌ها در دو نوع جهان - ذهن فردی و جهان - ذهن اجتماعی تحقق می‌یابند. جهان - ذهن فردی، جهان - ذهنی است که هر فاعل معتبری اعم از اینکه در اجتماعی حضور داشته باشد یا نباشد، دارد. اما جهان - ذهن اجتماعی، کل انضمامی ویژه‌ای است که بر اثر مشارکت ذهن‌های موجود در یک جمع برای ایجاد هویت‌های اعتباری و امتزاج وجودی آنها در مرتبه ذهن به وجود می‌آید. این امتزاج وقتی به وجود می‌آید که چند ذهن، تحت ساختاری معنادار - از انواع ساختارهایی که موجب شکل‌گیری جمع می‌شود - با هم ارتباط می‌گیرند و ذهنیتی واحد را ایجاد می‌کنند. مثلاً وقتی که چند ذهن در انجام یک فعالیت ذهنی مثل مشارکت در یک قصد جمعی یا ایجاد هویت‌های اعتباری اجتماعی همکاری می‌کنند، نوعی امتزاج و اتحاد وجودی میان آن ذهن‌ها، در مرتبه ذهن تحقق می‌یابد. افرادی که در یک تیم بازی می‌کنند یا در یک لشکر می‌جنگند یا در یک توافق اجتماعی شرکت می‌کنند و چیزی را رد کرده یا می‌پذیرند، موجب تحقق یک کل ذهنی متقوم به مشارکت‌کنندگان می‌شوند که هریک سهم ویژه‌ای در ایجاد آن کل دارد.

امتزاج و اتحاد ذهنی موجب شکل‌گیری احوال و اوضاع مشترکی در ذهن‌ها می‌شود که گاه برای افراد شرکت‌کننده در آن جمع نیز عجیب به نظر می‌رسد؛ شکل‌گیری احساسات مشترک، انگیزه‌های مشترک و خطورات ذهنی مشترک از این قبیل است. این امتزاج و اتحاد ذهنی ممکن است میان دو یا چند نفر یا میلیاردها نفر شکل گیرد؛ مانند امتزاج و اتحاد ذهنی‌ای که میان دو دوست، دو زوج، افراد یک خانواده، اعضای یک تیم ورزشی، اعضای یک قبیله یا یک جامعه به وجود می‌آید.

از این رو می‌توان گفت جهان - ذهن اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که ذهن‌های موجود در یک جمع از طریق مشارکتی که با یکدیگر دارند یک یا چند هویت ذهنی را در قالب یک ساختار غایت‌مند ایجاد می‌کنند. مثلاً وقتی اعضای یک قبیله، منطقه‌ای را برای زندگی در نظر می‌گیرند و زمین‌های پیرامون آن را تا محدوده‌ای خاصی، سرزمین خود قرار می‌دهند یا وقتی اعضای یک خانواده جایی را برای سکونت خود برمی‌گزینند یا تصرف در چیزی را برای خود مطلوب اعتبار می‌کنند، افراد مشارکت‌کننده به دنبال ایجاد واقعیت‌ها و سیستم‌های ذهنی‌ای هستند که در آن سیستم، اشیاء افراد و افعال معنایی دیگر غیر از معنایی که در عالم طبیعت دارند می‌یابند و از این طریق جهان دیگری متولد می‌شود که فاعل معتبر اشیای طبیعی را با هویت موجود در آن جهان می‌بیند و از آن طریق با آنها تعامل می‌کند. به تعبیر دیگر جهان - ذهن اجتماعی مجموعه منسجمی از هویت اعتباری است که بر اثر مشارکت چند ذهن در ایجاد غایت خاصی پدید می‌آید و نحوه تعامل فاعل‌های معتبر موجود در این جمع با دیگر اشیاء و افراد را تعیین می‌کند.

امتزاج ذهنیت‌ها برخلاف پندار جامعه‌گرایان، معلول پیدایش صورت‌های نوعیه‌ای بر روی افراد آن اجتماع، شبیه تحقق روح بر روی جسم نیست؛ زیرا این امتزاج گاهی ممکن است در سطوح بسیار نازل حتی میان دو نفر رخ می‌دهد، بلکه معلول پیدایش هیئت ترکیبی‌ای است که موجب می‌شود چند ذهن در ساختاری که منجر به تحقق غایت معناداری شده است، همچون ساختاری که در کل‌های انضمامی طبیعی یا کل‌های مصنوعی وجود دارد، آثار، احکام و احوال مشترکی پیدا کنند (فتحی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹-۱۸۱).

مهم‌ترین جهان - ذهن‌های اجتماعی عبارت‌اند از: جهان - ذهن خانواده، جهان - ذهن دوستی‌ها، جهان - ذهن نزاع‌ها و جنگ‌ها، جهان - ذهن باورهای کلان، جهان - ذهن علم و روش تحقیق، جهان - ذهن جامعه و طبقات اجتماعی (کشاورزی، معادن و عمران)، جهان - ذهن قدرت سیاسی، جهان - ذهن حقوق (قوانین و مجازات‌ها)، جهان - ذهن اخلاق و آداب اجتماعی، جهان - ذهن سلامت و تغذیه، جهان - ذهن امنیت و مراقبت، جهان - ذهن سنت‌ها و مراسم و بالاخره از همه اینها مهم‌تر و کلان‌تر جهان - ذهن زبان (الفاظ، تصاویر، تابلوها، اشاره‌ها، نوشته‌ها و هر چیز دیگری که بشر از آن برای دلالت بهره می‌گیرد).

مسائل و مطالب مهم دیگری درباره جهان - ذهن‌ها مطرح است که بحث درباره آنها را به نوشته‌های مفصل‌تر موکول می‌نماییم.

۵. ساخت‌های اعتباری

ذهنیتی را که از سوی فاعل اعتبارگر ساخته می‌شود، در صورتی که منجر به پدید آمدن تغییری ماندگار (ولو اندک) در ظاهر فیزیکی یا تغییری ماندگار در ترتیب‌های طبیعی نخستین میان افراد و اشیاء گردد، ساخت اعتباری می‌نامیم. ساخت اعتباری حاصل طراحی، مهندسی و اعتبارگری انسان برای ایجاد وضعیتی در یک یا چند شیء است که در پندار فاعل معتبر وی را به هدفی که دارد، نزدیک می‌کند. اشیایی که در یک ساخت اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرند، ممکن است بسیار ساده یا ترکیبی از چند شیء، چند فعل، چند فرد یا مرکبی بر ساخته از این موارد باشند.

قاشق چوبی ساده‌ای که برای انتقال غذا استفاده می‌شود، یک ساخت اعتباری اولیه است که از طریق یک تغییر ساده در شیء فیزیکی به وجود می‌آید؛ اما گاه ایجاد یک ساخت اعتباری، نیازمند ترکیب اشیا و ایجاد تغییرات بیشتری است. ساخت یک گاری ساده برای حمل بار، یا یک قلاب ساده ماهی‌گیری را در نظر بگیرید؛ ذهنیت‌های اعتباری‌ای که برای هریک از اجزای چرخ، کف، اهرم‌ها، اجزای رابط و... در ساخت گاری یا اجزای قلاب ماهی‌گیری وجود دارد، موجب تحقق شیئی به نام گاری و قلاب ماهی‌گیری می‌شود؛ وگرنه اجزای مزبور بدون این ذهنیت‌ها و ترکیب تحقق یافته خارجی، گاری و قلاب ماهی‌گیری به‌شمار نمی‌آیند. بنابراین هر ساخت اعتباری‌ای ترکیبی است از ذهنیت‌های اعتباری فاعل اعتبارگر به همراه تغییراتی که موجب تحقق ترکیب ویژه‌ای مثل ابزارها و صنایع اختراعی انسان در طول تاریخ تمدن بشری شده است. تعداد تغییراتی که موجب تحقق یک ساخت اعتباری است، گاهی به حدی وسیع و چند لایه است که توصیف دقیق ذهنیت‌ها و تغییرات موجود در آن، نیازمند نگارش چندصد جلد کتاب است. صنایعی که امروزه بشر برای تولید و تصرف در عالم ماده استفاده می‌کند، دارای تکنولوژی‌های بسیار پیچیده‌ای است که حاصل شناخت ویژگی‌ها و کارکردهای طبیعی اشیا از یک‌سو و خلاقیت مخترعان و صنعتگران در ایجاد ذهنیت‌های ویژه برای به دست آوردن ترکیب‌هایی با کارکردهای نو، از سوی دیگر است.

همه ابزارها و صنایعی که پیرامون خود مشاهده می‌کنیم، اعم از ساده، پیچیده یا بسیار پیچیده، طبق این تعریف ساخت اعتباری به‌شمار می‌آیند؛ اما ساخت‌های اعتباری اولاً به ابزارها و صنایعی که معمولاً با این عنوان شناخته می‌شوند، محدود نیستند و حتی ترکیب‌های ساده‌ای که ما در میان مواد موردنیاز برای پخت یک غذا به کار می‌بریم یا مدل ترکیب حرکت‌هایی که برای افعال خود مثل نوشیدن آب یک لیوان، به واسطه اعضای بدن خود ایجاد می‌کنیم نیز گونه‌ای ساخت اعتباری‌اند. مثلاً در ترکیبی که ما در میان افعال و اشیا برای نوشیدن یک لیوان آب به عنوان یک کل ایجاد می‌کنیم، هریک از اجزای این فعل با ذهنیت ویژه‌ای که فاعل برای تحقق آن کل اعتبار می‌کند جزئی از آن فعل، محسوب می‌شود و بدون آن ذهنیت، جزء مزبور، نمی‌تواند به عنوان جزئی از آن کل، زمینه تحقق آن کل را فراهم سازد؛ درست شبیه ذهنیتی که ما نسبت به چیزی مثل پیستون در سیستم خودرو داریم. اگر هویت پیستون بودن را برای چیزی که آن را پیستون می‌دانیم، قائل نباشیم، از آن به عنوان پیستون استفاده نمی‌کنیم و اگر از پیستون به عنوان پیستون استفاده نکنیم، موتور هم کارکرد تبدیل انرژی حرارتی به نیروی حرکتی را نخواهد داشت. به همین منوال، اگر ذهنیتی نسبت به دراز کردن دست برای برداشتن لیوان به عنوان جزئی از کل فرایند نوشیدن آب نداشته باشیم، ساخت نوشیدن آب از طریق برداشتن لیوان، به عنوان یک ساخت اعتباری طراحی شده، محقق نخواهد شد.

ثانیاً صنایع و ساخت‌های اعتباری منحصر به افعال و تصرفاتی که انسان در فیزیک اشیا دارد، نیست و انواع مختلفی از ساختارهای موجود در جوامع، مثل زبان، قوانین، سنت‌ها، آداب، الگوهای مختلف شکل‌گیری کنش‌ها، سازمان‌ها، نهادهای رسمی و غیررسمی، جنگ‌ها و منازعات، بازی‌ها و مسابقات، همایش‌ها را نیز شامل می‌شود و این امور بر همین اساس قابل تحلیل‌اند.

تیین ساختارهای اجتماعی به عنوان صنایع و تکنولوژی‌های غیرمکانیکی اما قابل محاسبه و مهندسی، که از طریق ذهنیت‌های اعتباری پدید می‌آیند و واقعیات اجتماعی را رقم می‌زنند، زمینه‌های نوینی برای طرح مباحث فلسفی طبق این

مینا، در باب فلسفه اجتماع و علوم اجتماعی پدید می‌آورد. نویسنده تصور می‌کند که توجه به این مینا، تعاریف دقیق و تحلیل‌های نوینی درباره موضوعات پرچالشی مثل فرهنگ، سنت، تمدن به ارمغان خواهد داشت.

نوع دیگری از سازه‌های اعتباری که کمتر مورد توجه دانشمندان بوده، ساخت‌های اعتباری درونی افراد است؛ سازه‌های شخصیتی مهمی مثل سازه‌های درونی ادراک طنز، سازه‌های درونی ادراک زیبایی، سازه‌های درونی ادراک تحقیر و اتمام، سازه‌های درونی احساس شکست و افسردگی، سازه‌های درونی احساس جسارت و اعتماد به نفس، سازه‌های درونی احساس دوستی و... که اجزای سازنده شخصیت افراد، مبنای رفتار، احساسات و بسیاری از ادراکات ایشان است.

۶. کلان - ساخت‌ها

گفتیم ساخت‌های اعتباری صورت‌های غایت‌مندی هستند که از طریق ایجاد تغییر در طبیعت نخستین به وجود می‌آیند. این ساخت‌ها در انواع غیربسیط خود متشکل از موقعیت‌های مختلف، عناصر و روابط ویژه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که کوچک‌ترین تغییر در این موقعیت‌ها و روابط، موجب تحقق نوعی تغییر در آن ساخت خواهد شد.

براساس این تعریف در ساخت‌های اعتباری، چیزی وجود دارد که می‌توان با عنوان ساختار اعتباری از آن یاد کرد. ساختارهای اعتباری صورت‌های جامع ذهنی‌ای هستند که متشکل از موقعیت‌ها و روابط متقابل ذهنی میان اجزا و عناصر خود هستند. ساختارهای اعتباری در مقایسه با یکدیگر یا چنان‌اند که یکی کاملاً ذیل دیگری قرار دارد و به تعبیری از اجزای آن به‌شمار می‌آید و هویت آن، ذیل هویت دیگری معنا می‌یابد یا در عرض همدیگرند و تلاقی احاطی بر یکدیگر ندارند. در صورت اول، هویت ساختار احاطه‌شده، تحت اشراف و معنابخشی ساختار دیگر قرار دارد و اصطلاحاً هویت و معنای آن در طول ساختار جامع‌تر است، و در صورت دوم که یکی تحت اشراف و احاطه دیگری قرار ندارد، ساختارهای مزبور ساختارهای هم‌عرض خواهند بود.

کلان - ساخت، ساخت اعتباری جامعی است که ساختارهای خردتر را درون خود جای می‌دهد. این ساختارهای کوچک‌تر، اگرچه تحت اشراف هویتی و معنابخشی ساختارهای کلان قرار دارند، لکن کوچک‌ترین تغییر در آنها به معنای تغییر ساختار کلان است. از این رو کلان - ساخت‌ها همانند رودخانه‌هایی هستند که به واسطه تغییر اجزا، دائماً در حال تغییرند؛ به‌گونه‌ای که تنها چیز ثابت در این میان این است که رودخانه‌ای به مثابه یک کل وجود دارد. این قبیل تغییرات، حیثیت ثابت ساخت‌های اعتباری را از بین نمی‌برد؛ اما تغییراتی هم وجود دارد که اصول و ضرورت‌های ساختار مزبور را به هم می‌زند. تغییر در اصول و ضرورت‌ها، مقوم هویت‌های بنیادی ساختار مزبور را از بین می‌برد و با تغییر در مقوم‌های هویت بنیادی ساختارها، ساختار مزبور نیز از بین خواهد رفت.

مهم‌ترین کلان - ساختارهای اجتماعی عبارت‌اند از: کلان - ساخت جامعه، به عنوان کلان‌ترین ساخت اجتماعی، کلان - ساخت زبان، به عنوان کلان‌ترین ساخت مربوط به نهادها که تأثیراتی فوق‌العاده بر دیگر ساختارها دارد، کلان - ساخت اقتصاد، به عنوان ساخت مربوط به روابط اقتصادی، کار، تجارت، تولید کالا و ثروت (در حوزه‌های صنایع، معادن و کشاورزی) و سایر ارزش‌های اقتصادی است، کلان - ساخت آموزش و پرورش که مربوط به سیستم جامع نظام آموزشی و پرورشی جامعه است، کلان - ساخت سیاسی که مربوط به جهان - ذهن

قدرت اجتماعی و تدبیر و اداره امور و شئونات درونی و بیرونی جامعه است، کلان - ساخت حقوق که مربوط به سیستم اعتبارها و اولویت‌های داشتن و تصرف است و شامل قوانین، مجازات‌ها، سیستم قضایی، سیستم قانون‌گذاری و... می‌شود، کلان - ساخت فرهنگ که شامل کلان‌ساخت‌های مربوط به سنت‌ها و آداب و رسوم است، کلان ساختار اخلاق، شامل ساخت‌های تفریح و تفرج و لذت، کلان - ساخت بهداشت، درمان و تغذیه، کلان - ساخت امنیت و قوای نظامی، کلان - ساخت روابط انسانی، عاطفی و جنسی که شامل ساختارهای مربوط به دوستی‌ها، جشن‌ها، خانواده، نزاع‌های اجتماعی و... می‌شود، کلان‌ساخت مسکن و شهرسازی، و کلان‌ساخت هنر و زیبایی، که مربوط به کلان - ساخت زیبایی و ساختارها و صنایع مرتبط با آن می‌شود.

هریک از این کلان - ساخت‌ها در ذیل خود دارای ساختارهای کوچک‌تری هستند که از حدوث و بقای پدیده‌ها و ساخت‌های اعتباری درون خود، پشتیبانی می‌کنند.

۷. جهان - ساخت؛ طبیعت ثانویه زیست

اگر همه ساخت‌های اعتباری را با هم در نظر بگیریم، به‌گونه‌ای که تمامی کلان - ساخت‌ها و ساختارهای ذیل آنها را شامل شود، محیط وسیعی از ساخت‌های اعتباری پیدا می‌شود، که آن را جهان - ساخت می‌نامیم. جهان - ساخت، اقیانوسی از ساختارهای به‌وجودآمده از طریق اعتبارات انسانی است که طبیعت ثانویه زیست انسانی را رقم می‌زند.

منظور ما از طبیعت ثانویه، وضعیتی است که برآیند اعتبار و تصرفات انسان در طبیعت، اعم از طبیعت درونی و طبیعت بیرونی، بعد از تصرف انسان است؛ طبیعت ثانویه درونی انسان، وضعیت تحقق‌یافته سازه‌های شخصیتی انسان است که به تدریج و در ضمن حرکت جوهری، از طریق کنش‌ها و انفعالاتی که از محیط، وراثت، تربیت، جامعه، قدرت سیاسی و... دارد، قوام می‌یابد؛ اما طبیعت ثانویه بیرونی، تعین خارجی ساخت‌ها و ساختارهای فیزیکی؛ مثل شهرها، خانه‌ها، راه‌ها، ابزارها، صنایع مادی، و... از یک‌سو، و ساخت‌ها و ساختارهای اجتماعی، مانند زبان، فرهنگ، اقتصاد و سیاست از سوی دیگر است.

بنابراین آنچه طبیعت نخستین به انسان می‌دهد به انضمام ذهنیت‌ها و معنایی که فاعل اعتبارگر بر اساس اهداف، احساسات، نیازها، باورها و گرایش‌های خود بدان اضافه می‌کند، موجب پیدایش انواع مختلفی از مصنوعات درونی، فیزیکی، اجتماعی و... می‌شود که مجموع همه آنها، زیستگاه انسان را رقم می‌زند. مدار این زیستگاه دقیقاً تا آنجاست که دست تصرف بشری می‌تواند در طبیعت اولیه آن تغییر ایجاد کند.

تحلیل ابعاد مختلف این طبیعت ثانویه به‌ویژه ابعاد متافیزیکی آن، که زیستگاه نخست بشر بوده و به یک معنا ساخته دست اوست، کمتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است؛ در صورتی که پرسش‌های مهمی درباره آن وجود دارد. پرسش درباره اینکه اشیا در این جهان چگونه به وجود می‌آیند و شرایط بقای آنها چیست، چه تفاوت‌هایی میان اجزای این جهان با اجزای جهان فیزیکی و مجرد وجود دارد، مهم‌ترین اقسام موجودات در این جهان چیست، آیا قاعده علیت و فروعات آن در این جهان نیز جریان دارد، چه تفاوتی میان علت و معلول در این جهان با جهان طبیعت و جهان ما فوق طبیعی وجود دارد و... .

بررسی این پرسش‌ها حاکی از آن است که این حوزه جدید در مباحث متافیزیکی، نیازمند التفات جدی اندیشمندان، برای پاسخ به پرسش‌های مطرح در این زمینه است.

نتیجه‌گیری

بسیاری از اشیا در زندگی انسان، معانی طبیعی خود را ندارند، بلکه دارای معانی ویژه‌ای هستند که حاصل فاعلیت ذهنی اوست. نویسنده بر اساس «نظریه واقعیت‌های اعتباری» ادعا دارد انسان برای هر آنچه با آن تعامل دارد، هویت‌هایی ذهنی ایجاد می‌کند که معنا و واقعیت آن شیء را برای او رقم می‌زند. هویت‌های ذهنی مزبور وقتی که در کنار هم و به صورت مجموعی در نظر گرفته شوند، جهانی را می‌سازند که می‌توان آن را جهان اعتباری یا ساخته انسان دانست. نگارنده معتقد است انسان در فرایند حیات خود دو جهان اعتباری جهان - ذهن و جهان - ساخت را ایجاد و در آن زیست می‌کند.

جهان - ذهن اشاره به کلیت انباشته و درهم‌تنیده‌ای از معانی ذهنی اعتباری دارد که در عین ارتباط با یکدیگر، کاملاً وابسته به فاعل اعتبارگر است و نحوه ادراک، تعامل و زیست وی را تعیین می‌کند. این جهان حاصل ایجاد اموری است که در اصطلاح این مقاله ذهنیت نامیده می‌شود. ذهنیت بر ایند تحقق هویت ذهنی‌ای است که به صورت طبیعی وجود ندارد و فاعل معتبر برای تعامل با اشیا و افراد پیرامون خود برای شیء یا اشیایی ایجاد می‌کند. هویت‌های ذهنی مزبور وقتی که در کنار هم و به صورت مجموعی در نظر گرفته شوند، عالمی را می‌سازند که می‌توان آن را جهان ذهنی او دانست.

ذهنیتی که از سوی فاعل اعتبارگر ساخته می‌شود، در صورتی که منجر به پدید آمدن تغییری ماندگار (و لو اندک) در ظاهر فیزیکی یا تغییری ماندگار در ترتیب‌های طبیعی نخستین میان افراد و اشیا گردد، ساخت اعتباری نامیده می‌شود. ساخت اعتباری حاصل طراحی، مهندسی و اعتبارگری انسان برای ایجاد وضعیتی در یک یا چند شیء است که در پندار فاعل معتبر وی را به هدفی که دارد، نزدیک می‌کند.

اشیایی که در یک ساخت اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرند، ممکن است بسیار ساده یا ترکیبی از چند شیء، چند فعل، چند فرد یا مرکبی برساخته از این موارد باشند. همه ابزارها و صنایعی که پیرامون خود مشاهده می‌کنیم اعم از ساده، پیچیده یا بسیار پیچیده، طبق این تعریف ساخت اعتباری به‌شمار می‌آیند. این ساخت‌های اعتباری نه تنها به ابزارها و صنایعی که معمولاً با این عنوان شناخته می‌شود، محدود نیست، بلکه به افعال و تصرفاتی که انسان در فیزیک اشیا دارد نیز اختصاص ندارد و انواع مختلفی از ساختارهای موجود در جوامع؛ مثل زبان، قوانین، سنت‌ها، آداب، الگوهای مختلف شکل‌گیری کنش‌ها، سازمان‌ها، نهادهای رسمی و غیررسمی، جنگ‌ها و منازعات، بازی‌ها و مسابقات و همایش‌ها را نیز شامل می‌شود و همه آنها بر همین اساس قابل تحلیل‌اند.

ساختارهای اعتباری در مقایسه با یکدیگر یا چنان‌اند که یکی کاملاً ذیل دیگری قرار دارد و به تعبیری از اجزای آن محسوب شده و هویت آن، ذیل هویت دیگری معنا می‌یابد یا در عرض همدیگرند و تلاقی احاطی بر یکدیگر ندارند. در صورت اول، هویت ساختار احاطه شده، تحت اشراف و معنابخشی ساختار دیگر قرار دارد و اصطلاحاً هویت و معنای آن در طول ساختار جامع‌تر است، و در صورت دوم که یکی تحت اشراف و احاطه دیگری قرار ندارد، ساختارهای مزبور ساختارهای هم‌عرض خواهند بود.

کلان - ساخت، ساخت اعتباری جامعی است که ساختارهای خردتر را درون خود جای می‌دهد. اگر همه ساخت‌های اعتباری را با هم در نظر بگیریم به‌گونه‌ای که تمامی کلان - ساخت‌ها و ساختارهای ذیل آنها را شامل شود، محیط وسیعی از ساخت‌های اعتباری پیدا می‌شود که آن را جهان - ساخت می‌نامیم. جهان - ساخت، اقیانوسی از ساختارهای پدیدآمده از طریق اعتبارات انسانی است که طبیعت ثانویه زیست انسانی را رقم می‌زند.

منابع.....

- ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- انیس، ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۲، *المعجم الوسیط*، ط. الرابعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- آملی لاریجانی، صادق، ۱۳۷۸، *جزوه درس خارج اصول* (منتشر نشده).
- پارسایان، حمید، ۱۳۹۵، *جهان های اجتماعی*، قم، کتاب فردا.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، *اصطلاح نامه عرفان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- خمینی، سیدمصطفی، ۱۴۱۸ق، *تحریرات فی الاصول*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۳ق، *مصباح الفقاهه*، بی جا، بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- سرل، جان، ۱۳۸۵، *افعال گفتاری*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سعیدی، گل بابا، ۱۳۹۲، *فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی*، تهران، زوار.
- سهروردی، شهاب الدین، ۱۳۷۵، *مجموعه مصنفات*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سید مرتضی، علی بن حسین بن موسی، ۱۳۷۶، *النذریه*، تهران، دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۰۳ق، *حاشیه الکفایه*، قم، بنیاد فکری علامه طباطبائی.
- _____، ۱۴۲۸ق، *مجموعه رسائل*، قم، باقیات.
- _____، ۱۳۸۲، *نهایه الحکمه*، تطبیق و تصحیح غلامرضا فیاضی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- عبودیت، عبدالرسول، ۱۳۸۵، *درآمدی به نظام حکمت صدرایی*، تهران، سمت.
- غروی اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *نهایه الدراییه*، قم، جامعه مدرسین.
- فتحی، عبدالله، ۱۳۹۵، *چیستی و هستی اعتبار و امور اعتباری*، رساله دکتری، رشته فلسفه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فیاضی، غلامرضا، ۱۳۸۷، *هستی و چیستی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کوه کمرهای، محمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب البیع*، قم، انتشارات اسلامی.
- کاپلستون، فردریک، ۱۳۷۵، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه سیدجلال الدین مجتوبی، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۸۷، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۹۲، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه امیرجلال الدین اعلم، تهران، سروش.
- مصباح، محمدتقی، ۱۴۳۵ق، *تعلیقه علی نهایه الحکمه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۰، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مقری فیومی، احمد بن، ۲۰۰۱م، *المصباح المنیر*، بیروت، مکتبه ناشرون.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، *کتاب‌البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
نائینی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *فوائد الاصول*، قم، انتشارات اسلامی.
نوذری، حسینعلی، ۱۳۸۱، *بازخوانی هابرماس*، تهران، چشمه.
هایدگر، مارتین، ۱۳۸۹، *هستی و زمان*، ترجمه سیاوش جمادی، تهران، ققنوس.

هوسرل، ادmond، ۱۳۸۸، *بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی*، ترجمه غلامعباس جمالی، تهران، گام نو.

Buckley, R. P, 1992, *Husserl, Heidegger, and the Crisis of Philosophical Responsibility*, Kluwer Academic Publishers.

Cober, Michael, 1996, “*Certainties of a world-picture: The epistemological investigations of On Certainty*”, in H. Sluga and D. G. Stern (eds.), *The Cambridge Companion to Wittgenstein*, Cambridge: Cambridge University Press.

Dreyfus, H. L., 1990, *Being-in-the-World: A Commentary on Heidegger's Being and Time*, Division I, Cambridge, Mass, MIT Press.

Goodman, Nelson, 1978, *Ways of worldmankings*, Indianapolis, Hackett Publishing Company.

Habermas, Jurgen, 1979, *Communication and the Evolution of Society*, trans, Tomas Maccarthy, Boston: Beacon Press.

Popper, Karl, 2000, *The Open Universe: An Argument for Indeterminism*, London, New York, Routledge.

Searle, John R., 1995, *The Construction of Social Reality*, New York, Free Press.

_____, 2000, *Making the social world: the structure of human civilization*, Oxford, University Press.